

دوشنبه ۲۰ جولای ۲۰۱۵

حمید انوری

عمق فاجعه

از فرخنده تا کودک سه ساله

به کودکی سه ساله در کابل تجاوز کرده و سپس او را کشتند



این گزارش و این خبر تکانه‌دهنده واقعاً که عمق فاجعه را نشان می‌دهد، فاجعه ای که هر انسان عاقل و بالغی و هر طفل و کودکی را وحشت زده می‌سازد. این فاجعه وحشت انگیز باز هم در قلب شهر کابل اتفاق می‌افتد و باز هم پولیس در جلوگیری از همچو حادثات تکان دهنده و نفرت انگیز ناتوان است و در کشف این جنایت ناتوان تر از جلوگیری آن.

گزارش این جنایت وحشتناک و بی رحمانه را چار ناچار با هم مرور میکنیم، هر چند پرداختن به این جنایت عظیم از توان این عاجز خارج است، اما " هر که پا کج میگذارد خون دل ما میخوریم". جسد پسر سه ساله که گفته می‌شود چند روز پیش اختطاف شده بود، از یک ویرانه ای در مربوطات حوزه هشتم پولیس در کابل پیدا شده است.

این پسرک مظلوم و این کودک بی خبر از دنیا در همان حوزه هشتم اختطاف می‌شود، در همان حوزه هشتم به او نامردانه تجاوز می‌شود و در همان حوزه هشتم به شدت شکنجه شده، دندان هایش را می‌شکنند و چشمان زیبایش را از حدقه بیرون کرده و بصورت وحشت انگیزی به قتل میرسانند، پولیس خواب است، امنیت پینکی رفته و حکومت در غم تقسیم است...

این پسر مورد تجاوز جنسی قرار گرفته و سپس به شکل فجیعی به قتل رسیده، عبدالروف انعامی، منشی مجلس نمایندگان می‌گوید که دندان های این کودک به شدت ضربه دیده و معلوم می‌شود که سر او بارها به شدت به سنگ زده شده است.

از نظر این کمترین، فاجعه مذکور صرف یک عمل اختطاف معمولی و تجاوز و قتل نبوده و نیست و پولیس جنائی کابل در همکاری با پولیس حوزه هشتم و ریاست امنیت باید به زودترین فرصت دنبال قضیه را با جدیت تمام گرفته و عاملین وحشی و از خدا بی خبر این فاجعه غم انگیز و دردناک

را تحت تعقیب قرار داده و توقیف نمایند تا دیده شود سر نخ بکجا میرسد و این کودک مظلوم قربانی کدام بازی کثیف دیگر گردیده است.

آقای انعامی در جلسه امروز مجلس در حالیکه اشک می ریخت گفت: "دندان های این کودک شکستانده شده و سر او به حدی به سنگ کوبانده شده که بلاخره جان داده است".

جناب انعامی میدانیم که هر انسان ایکه هنوز خون انسانیت در رگ هایش جریان داشته باشد، با دیدن جسد متلاشی شده طفلک مظلوم و بی گناه، اشک های خود را گرفته نمی تواند و احساس شما هم قابل قدر است، اما از امکانات دست داشته تان استفاده کنید و دنبال قضیه را رها نکنید و خانواده بخت برگشته این کودک مظلوم را از جریان آگاه ساخته و در حد توان تان به کمک شان بشتابید و از نظر مادی و معنوی در کنار شان باشید. این وظیفه شما است.

سکندر، پدر این کودک که آش فروش است می گوید که پسرش چند روز پیش اختطاف شده بود، اما تلاش های او برای ردیابی و نجات پسرش به جایی نرسید.

به یقین که این اختطاف جهت اخاذی صورت نگرفته است، چون پدر کودک بی گناه و بی خبر از دنیا، یک آش فروش بوده که به مشکل زندگی را پیش برده و یک لقمه نان حلال برای خانواده تهیه می کرده است. دشمنی هم نباید بوده باشد چون یک غریب کار آش فروش نمی تواند با هیچ کسی دشمنی داشته باشد و هیچ کسی هم با یک غریبکار زحمت کش که از آبله کف دست و عرق پیشانی با هزار زحمت و تلاش و عرق ریزی لقمه نانی بدست می آورده است، نمی تواند دشمنی داشته باشد، پس این وظیفه پولیس جنائی است که در کشف حقیقت تلاش کرده و با اسناد و دلایل و شواهد قناعت بخش و قابل قبول، پرده از این فاجعه جانسوز بردارد و عاملین دد صفت این جنایت شوم را به چنگال قانون بسپارد، البته اگر هنوز قانون در آن مرزو بوم نفس می کشد.

سکندر افزود که به حوزه هشتم پولیس مراجعه کرده اما آمر و پولیس این حوزه به شکایت او رسیدگی نکرده است. او در آنزمان به مجلس هم آمده بود.

ای برادر!!! در این ملک و مملکت که زر و زور تزویر حکومت میکند، صدا و فریاد و فغان یک غریب کار آش فروش را کی می شنود که پولیس حوزه هشتم بشنود، اگر کودک غنی یا عبدالله و یا حتی از همان آمر حوزه هشتم پولیس هم میبود، نه تنها که حوزه هشتم را زیر و رو میکردند که کابل و تمام افغانستان و پاکستان و ایران و حتی تاجکستان و ازبکستان را هم زیر و زبر میکردند.

برو قوی شو اگر راحت جهان طلبی که در نظام طبیعت ضعیف پامال است

مجلس با آمر حوزه هشتم پولیس تماس می گیرد اما با گذشت چند روز رد پای این کودک سه ساله را پیدا نتوانستند.

یک تماس گرفتن البته و صد البته که کافی نبوده است و باید با جدیت دنبال قضیه گرفته می شد که نشد و کودک سه ساله مظلوم قربانی این تعلل گردید که نباید می گردید.

انعامی گفت: "جسد طفل را بلاخره از محل واقعه پیدا کردیم، چیلی های خورد به پا داشت. تنبان این طفل را کشیده بودند، با وی عمل فجیع صورت گرفته است. دندان های وی را شکستانده بودند و سر اش را به سنگ زده بودند".

آقای انعامی از کجا دانستند که محل دریافت جسد، محل واقعه هم بوده است؟

امکان دارد که جنایت در جای دیگری انجام شده باشد و جسد را بعداً به آن محل انتقال داده باشند. اینجاست که عمق فاجعه برملا می شود، با دندان های این طفلک چه کار داشته اند و چشمان معصوم او را چرا از حدقه بیرون آورده اند، در حالیکه ضرورتی بدان احساس نمی شده است و اگر قتل کودک بعد از تجاوز منظور نظر بوده باشد، به دندان ها و چشمان او چه کار داشتند؟!

البته باز هم این وظیفه پولیس جنائی است که لیاقت و اهلیت و فهم و درک خود از قضایای جنائی را به نمایش گزارد و نشان دهد که پول های مصرف شده از کیسه خارجی، جهت تربیه و آماده سازی آنان به هدر نرفته است.

این رویداد با واکنش تند اعضای مجلس مواجه شده است و آنها این حادثه را تکان دهنده خواندند. خانم ها و آقایان!!! اعضای مجلس نمایندگان!!! واکنش تند تنها کافی نیست، عمل کنید و قضیه این فاجعه دلخراش را با تمام قدرت تان دنبال کنید. امروز، روز عمل است و ملت از شما عمل می خواهد!!! دا گز او دا میدان!!! در عمل به اثبات رسانید که حرف و عمل شما یکیست!!! اعضای مجلس به کمیسیون امنیت داخلی وظیفه داده تا در این مورد تحقیق کند و قرار شد که قوماندان امنیه و آمر حوزه هشتم برای پاسخ دهی به این کمیسیون حاضر شوند.

قوماندان امنیه را در قضیه قتل فجیع فرخنده شهید در حالی با اعزاز تمام دوباره به وظیفه و خانه اش فرستادند که زمین و آسمان فریاد بر آورده بود که مسؤول آن جنایت وحشتناک به درجه نخست قوماندان امنیه است، از روی لطف اینبار او را نگذارید که بی خیال به وظیفه ای که کمترین مسؤولیت در آن احساس نمی کند، برگردد و آمر حوزه هشتم نیز باید جواب پس بدهد که از روز اختطاف این کودک مظلوم تا پیدا شدن جسد در هم کوبیده شده اش چه اقداماتی کرده و نتیجه چه بوده است و آیا به تحقیقات و جستجوی خود همچنان ادامه داده بودند و یا اینکه چون یک طفل غریب و بی واسطه بوده موضوع اختطاف را جدی نگرفته بودند و هزار و یک سوال دیگر...

فریدون عبیدی، رییس تحقیقات جنایی قوماندانی امنیه کابل می گوید که به احتمال زیاد این کودک از سوی معتادان محل ربوده و سپس مورد تجاوز قرار گرفته باشد.

جناب عبیدی، رییس تحقیقات جنائی! به این میگویند آب را نادیده موزه را از پا کشیدن. چرا در نخستین اظهار نظر به احتمال چسپیده اید؟

درحالی که همه میدانیم مشکل معتادان در کابل یک مشکل بزرگ است و کار های نادرستی از آنان سر زده و میزند و نه حکومت قبلی و نه هم حکومت فعلی کاری در زمینه انجام نداده اند، اما شما چگونه میخواهید این بارگران را به سادگی بر گردن معتادان انداخته و از آن شانه خالی کنید؟! شاید بتوان قبول کرد که چند معتادی در گذشته ها مرتکب جرم و جنایت گردیده اند، اما چگونه باید قبول کرد که یک یا چند معتاد آنقدر انرژی داشته باشند که دندان های یک کودک را بشکنند و چشمانش را از حدقه بیرون بیاورند و چرا؟!!

و دیگر اینکه اگر مشکل معتادان در حوزه هشتم تا این حد حاد شده بود که امکان ارتکاب چنین فاجعه هولناک از سوی آنان میرفت، چرا جلو آنان در منطقه گرفته نشد و در مورد حل مشکل به گونه اقدامی صورت نگرفته است.

شاید معتادان دست به آدم ربائی بزنند و در بدترین حالت هم جهت مخفی داشتن جنایت دست به قتل هم بزنند، اما این از عقل سلیم به دور است که قبول کنیم بر علاوه قتل دست به شکستن دندان های یک کودک سه ساله و کشیدن چشمان معصوم اش از حدقه نیز بزنند. اگر چنین باشد جناب عبیدی رییس تحقیقات جنائی قوماندانی امنیه دلیل یا دلائل قناعت بخشی در زمینه ارائه کنند تا ما هم بدانیم که پول های کمی خارجی لاقدر در قسمت تربیه و تریننگ پولیس جنائی به هدر نرفته است.

آقای عبیدی به رادیو آزادی گفته که یافته های ابتدایی پولیس نشان می دهد که پای معتادان محل در این رویداد دخیل است، اما او گفته که برای تحقیقات بیشتر جسد این کودک به طلب عدلی فرستاده شده است.

او افزود که در محل رویداد ویرانه های زیادی وجود دارد که کسی در آنها رفت و آمد نمی کنند و محل بودو باش معتادان است.

او افزود که در محل رویداد ویرانه های زیادی وجود دارد که کسی در آنها رفت و آمد نمی کنند و محل بودو باش معتادان است.

این هرگز دلیل قناعت بخشی بوده نمی تواند که چون جسد کودک مظلوم از ویرانه ها یافت شده و آن محل هم محل بود و باش معتادان است، پس معتادان عامل این فاجعه جیگرسوز اند. اما این یگانه راه ساده شانه خالی کردن از مسئولیت و گریز از وظیفه تواند بود. براساس، آمارهای ارایه شده از سوی مجلس نمایندگان، در یک ماه گذشته، 65 آدم ربایی و نزدیک به 190 مورد سرقت موتر در کابل به ثبت رسیده است. این آمارها نشان می دهد که رقم آدم ربایی و حوادث جنایی در کابل افزایش یافته است. پس با این همه جرم و جنایت و قتل و غارت و وحشت و اختطاف و تجاوز و... این قوماندان امنیه و لا و لشکر اش مشغول چه کار یا کارهای دیگر اند و چرا هنوز قوماندان امنیه کابل با غر و فش به کاری ادامه میدهد که اهلیت آنرا هرگز ندارد. معلوم می شود که پایه او به اصطلاح طوس است. آخر گفته اند "مُربى داری، مربا بخور".

در گزارشات بعدی آمده است که پولیس دو نفر را به ظن دست داشتن در این فاجعه بازداشت کرده است و تحقیقات در مورد جریان دارد. دیده شود که آیا افراد دستگیر شده واقعاً عاملین این جنایت وحشتناک و رقت انگیز هستند، یا اینکه پولیس جهت آرام ساختن مردم کابل دو نفر معتاد و بیگناه را دستگیر نموده است. در هر حال مردم منتظر اقدامات قوماندانی امنیه و پولیس جنائی هستند و وزارت داخله هم وظیفه دارد تا مردم را در جریان قضیه قرار دهد.

اگر راهی موجود باشد که به این خانواده داغدار در حد توان کمک مالی کنیم، لااقل اندکی آرامش روحی بدست خواهیم آورد. امید می رود هموطنان ما که به گونه ای امکانات تماس با پدر زحمت کش این کودک را داشته باشند، ما را در جریان گذارند.

نگ و نفرین بر جنایتکاران دد منش و وجدان باخته و شرم بر قوماندانی امنیه که در زیر ریش و عبا و قبا و دریشی و کلاه شان هر روز و هر ساعت جنایات وحشتناکی اتفاق می افتد و هرگز هم مسئولیت پذیر نیستند و سیستم قضاء هم تا گلو غرق در فساد است و حکومت نیز در غم تقسیم. این کشور به کدام جهت روان است و تقسیمات بین دو رئیس چه زمانی خاتمه خواهد یافت؟!!

